

مزد رسالت مودت و دوستی با نزدیکان من است.

...بگو: از شما بر این رسالت مزدی، جز محبت خویشاوندانم، نمی طلبم... شوری: ۳۳

همه مفسران شیعه و بزرگانی از اهل سنت معتقدند که منظور از ذوی القربی نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله است. نکته قابل توجه این که قرآن مجید در سوره شعراء و در پنج آیه (۱۰۹ و ۱۲۷ و ۱۴۵ و ۱۶۴ و ۱۸۰) از قول حضرت نوح و هود و صالح و لوط و شعیب علیهم السلام نقل می کند که ما هیچ اجر و پاداشی از شما نمی خواهیم؛ اجر و پاداش ما بر پروردگار عالمیان است؛ اما در آیه مورد بحث پیامبر گویا اجر و پاداشی برای خود مشخص

کرده اند؛ و آن علاقه شدید به خویشاوندان اوست؛ و در آیه ۵۷ سوره فرقان می فرماید: اجر و پاداش من گزینش راه خدا و حرکت در آن مسیر است.

از جمع این آیات می توان نتیجه گرفت که پیامبر اسلام نیز، مانند سایر پیامبران الهی، اجر و پاداشی برای شخص خود از مردم نخواسته است؛ بلکه مودت، یعنی محبت شدید به ذوی القربای او، راهی به سوی خدا و لطفی دیگر به امت است؛ و این مودت آنان را به منشأ

عصمت و ولایت و امامت، که ذات مقدس احدیت است، هداست می کند.

به امامت سوگند/ نسرزد شعر پراز مدح و ثنا/ ریختن پای امام/ و ندانستن و پی نابردن/ راه کو، چاه کدام؟/ بلکه بایست که راهش را رفت/ سخنش را بشنفت/ هدف زندگی اش را باید/ بهر

این مردم گفت. -جواد محدثی.

ولایت پذیری و دوستی اهل بیت به سود شماست

بگو هر مزدی که از شما خواسته ام [که دوستی خاندانم باشد] به سود خود شماست. پاداش

من جز بر عهده خدا نیست...

اهل بیت علیهم السلام برای دوستان و محبان حقیقی در دنیا الگوهای عملی و عینی انسان کامل اند و آنان را از سرگردانی و حیرت در ادای تکلیف در عرصه های مختلف زندگی نجات می دهند و به نوعی آنان را به آرامش می رسانند؛ و دوستی و ولایت آنان در عالم قبر و برزخ و قیامت سودمند است. زمخشری و فخر رازی و قرطبی، سه تن از مفسران طراز اول

اهل سنت، در تفاسیر خود در ذیل این آیه شریف حدیثی از رسول خدا در ذکر آثار و فواید محبت اهل بیت در بعد از مرگ نقل کرده اند. حدیث به این شرح است: «هر کس با محبت آل محمد (ص) بمیرد شهید از دنیا رفته است... بخشوده است، با توبه از دنیا رفته است، مؤمن کامل الایمان از دنیا رفته است، فرشته مرگ او را بشارت به بهشت می دهد و نکیر و منکر نیز به او بشارت می دهند، او را با احترام به سوی بهشت می برند، هم چنان که عروسی را به خانه

داماد می برند، دقبر او دو در به سوی بهشت گشوده می شود، قبر او را فرشتگان رحمت زیارت می کنند، بر سنت پیامبر و جماعت اسلام از دنیا رفته است؛ و هر کسی بغض و عداوت با آل محمد داشته باشد و از دنیا برود روز قیامت در حالی وارد عرصه محشر می شود

که بر پیشانی او نوشته شده مایوس از رحمت خدا و کافر از دنیا می رود و بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.»

اصول امامت در یک آیه قرآن

و [به یاد آر] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به اموری بیازمود. پس او همه را به نحو کامل انجام داد. پروردگارش گفت: همانا تو را بر مردم امام و پیشوا کردم. ابراهیم گفت: و از اولاد من چه طور؟ گفت: پیمان من به ستمکاران نمی رسد. بقره: ۱۲۴.

آنچه از این آیه استفاده می شود عبارت است از:

- ۱) مقام امامت برتر و بالاتر از نبوت است، زیرا خداوند بعد از نبوت ابراهیم علیه السلام او را کاملاً آزمود و با او سخن گفت و او را امام قرار داد؛
- ۲) مقام امامت انتصاب خداوند است، نه انتخاب مردم (أَنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)؛
- ۳) مقام امامت غیر از مقام نبوت است و با وجود پیامبران علیهم السلام، بشر از داشتن امام بی نیاز نیست؛
- ۴) امام ریاست عامه بر همه مردم دارد (لِلنَّاسِ)؛
- ۵) امامت عهدی است بین خدا و مردم باید با تبعیت از امام، به عهد خویش با خدا وفا کنند (عَهْدِي)؛
- ۶) امام معصوم علیه السلام از هر گناه و خطایی مبرا است (لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ).

در هر عصر و زمانی، مردم باید پیشوای آسمانی داشته باشند.

... جز این نیست که تو بیم دهنده ای؛ و هر قومی را رهبری است. رعد: ۷

آنچه در ابتدا از این آیه شریفه استفاده می شود این است که زمین هیچ گاه از هدایت کننده ای که مردم را به سوی حق رهبری کند خالی نبوده است و نخواهد بود، یا باید پیامبری باشد و یا هادی دیگری که به امر خدا هدایت کند. این حقیقت محکم در حدیثی زیبا از امام صادق علیه السلام که از جدشان، حضرت سجاد علیه السلام نقل کرده اند، آمده است:

«...از روزی که خدا آدم را آفریده است تا حال، هیچ گاه زمین از حجت خالی نبوده است؛

ولی آن حجت گاهی ظاهر و مشهور و گاهی غایب و مستور بوده است؛ و تا قیامت نیز، زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود؛ و اگر امام نباشد، خدا پرستش نمی شود.»

مطلب مهم دیگر تفسیرِ فخر رازی و جلال الدین سیوطی، از مفسران به نام اهل سنت، از این آیه است که از ابن عباس نقل کرده اند: «پیامبر دست مبارکش را بر سینه خود گذاشت و فرمود: اَنَا الْمُنْدِرُ. (من انداز کننده ام). سپس به علی اشاره کرد و فرمود: أَنْتَ الْهَادِي يَا عَلِيُّ،

بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ مِنْ بَعْدِي. (تو هدایت کننده ای، ای علی؛ و به وسیله تو بعد از من اهل هدایت هدایت می شوند).» البته عده کثیری از علمای بزرگ اهل سنت این روایت را در کتب خود آورده اند. از شیعه نیز چندین حدیث با همین مضمون وارد شده است.

دیگر این که آیا می توان گفت منظور از لِكُلِّ قَوْمٍ هَادِیْ علما و دانشمندان هر قوم اند؟ در پاسخ می گوئیم خیر؛ زیرا در هر عصری و در هر قومی عالمان متعددی وجود دارند؛ اما قرآن می فرماید برای هر قومی یک هدایت گر و رهبر الهی هست.

جز با وجود امام عادل و حاکم مؤمن، جامعه به حیات طیبه نمی رسد.

و برای شما - ای صاحبان خرد- در فصول زندگی است [اجرای حکم قصاص زندگی جامعه است] شاید [از خونریزی به ناحق] پرهیز کنید.

در تفسیر نعمانی، بعد از ذکر این آیه و برخی آیات دیگر، از امیر مؤمنان امام علی علیه السلام

روایت شده است که «این آیات، دلیل بسیار روشنی است بر این که امت باید امام و پیشوایی

داشته باشد تا به کارهای آن ها قیام کند و آنان را به خوبی امر و از بدی نهی کند و حدود

الهی را در میان آن ها اجرا کند و با دشمن مبارزه کند و غنیمت ها را عادلانه تقسیم کند و

واجبات را واجب کند و صلاح را به آنان نشان دهد و آنان را از آنچه برایشان زیان بخش

است بر حذر دارد؛ زیرا امر و نهی از اسباب بقای مردم است و گرنه، میل به خوبی ها و ترس از

بدی ها از بین می رود و هیچ کس از گناه باز نمی ایستد و نظام جامعه فاسد می شود و نتیجتاً،

بندگان خدا هلاک می شوند.» مضافاً این که امام هدایت کننده ای است که با امری ملکوتی

هدایت می کند. پس باطن امامت ولایتی است که امام بر اعمال مردم دارد؛ و در حقیقت، امام

کسی است که دیگران از او متابعت و به او اقتدا می کنند.

اطاعت از خدا و رسول و صاحبان امر ولایت واجب است.

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و از فرستاده او و صاحبان امرتان [که

جانشینان معصوم پیامبرند] اطاعت کنید. پس اگر درباره چیزی [از امور دین یا دنیا] نزاع

داشتید، آن را به خدا و رسولش برگردانید - اگر ایمان به خدا و روز واپسین دارید. این [برای

شما] بهتر و خوش عاقبت تر است. نساء: ۵۹

درباره این آیه نورانی به دو مطلب اشاره می کنیم:

اولاً، موضوع این آیه رهبری و تعیین مرجع اصلی و کلی برای مسلمانان در همه امور است که

ابتدا با فرمان اطاعت از خدا، مسیر رهبری و جهت گیری آن را تعیین می کند و خط بطلان بر

حکومت های طاغوت می کشد و اصل اساسی رهبری دینی را، که همانا اتصال به وحی و

آسمان و داشتن منشأ خدایی است، تبیین می کند؛ زیرا فقط خداوند است که حق حاکمیت و

ولایت و مالکیت مطلق دارد و هر حکومتی که از ذات مقدس او نشئت بگیرد پذیرفته است.

لذا بعد از اطاعت از خداوند، فرمانبرداری از پیامبر (ص) و اولوالامر را مطرح می کند.

ثانیاً، این اطاعت بی قید و شرط و مطلق است همه شئون زندگی فردی و اجتماعی انسان ها را

شامل می شود. تا این جای مسئله روشن و مورد اتفاق است؛ اما در مفهوم و مصداق اولوالامر

اختلاف است. اجماع علما و مفسران شیعه و مکتب اهل بیت علیهم السلام این است که

اولوالامر امامان معصوم اند، زیرا هم حکومت آنان از وحی و خدا سرچشمه گرفته و هم

معصوم اند و از این رو اطاعت بی قید و شرط از آنان بی اشکال است؛ اما مفسران اهل سنت اختلاف نظر دارند: گروهی اولوالامر را همه صحابه پیامبر، و گروهی آنان را فرماندهان لشکر می دانند؛ جمع دیگری خلفای چهارگانه را اولوالامر می دانند؛ برخی دیگر می گویند منظور علما و دانشمندان و به اصطلاح اهل حل و عقد و عقلای جامعه اند. البته با آنچه بیان شد ضعف این اقوال روشن است.

با ولایت، دین کامل شد. دیگر از دشمنان بیرونی نترسید

امروز کافران از [ابطال وازالۀ] دین شما مأیوس گشته اند. پس از آنان مترسید و از من بترسید.

امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما به

منزلۀ آیینی [استوار و پایدار] پذیرفتم. مائده:۳

مرحوم علامۀ طباطبایی در تفسیر این آیه فرموده اند: «این آیه هم از نظر محلی که قرار گرفته

و هم از نظر دلالتی که دارد جریان عجیبی دارد. مراد از یوم، که تکرار شده، یک روز است؛

و در آن روز، هم کفار مأیوس شدند و هم دین کامل شد.» آن گاه ایشان بعد از ابطال نظریه

های مختلفی که درباره یوم آمده است، فرموده اند: «منظور روز غدیر و نصب امیرالمؤمنین به

عنوان مقام ولایت مسلمانان است»؛ و تمام ناامیدی کفار وقتی بود که خدا برای این دین کسی

را منصوب کرد که در تدبیر امر دین و پاسداری از آن و هدایت مردم مانند پیامبر و قائم مقام

او بود، زیرا دیدند با این که رئیس و مؤسس دین خبر از مرگ خود داده است، آن ها به

آرزوی خود، که ایجاد انحراف در اسلام و به دست گرفتن زمامداری جامعه بود، نمی رسند و این دین دیگر قائم به فرد نیست، بلکه خطی به نام ولایت و امامت در آن تأسیس شده که تا پایان عالم نیز ادامه خواهد داشت و دیگر به لحاظ رهبری نابودشدنی و آسیب پذیر نخواهد بود. پس از آن، دین از یک مرحله وارد مرحله دیگر و متکامل تر شد. لذا خداوند فرمود:

امروز دین را برای شما کامل و نعمت را تمام کردم.

غذیر و آیه تبلیغ سندی است محکم بر اثبات امامت علی بن ابی طالب

ای فرستاده ما، آنچه را از پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن؛ و اگر نکنی، پیام او را ابلاغ نکرده ای؛ و خداوند تو را از [فتنه و شر] مردم نگه می دارد. بی تردید خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند. مائده: ۶۷

محقق عالی مقام، مرحوم علامه امینی، در کتاب الغذیر حدیث غذیر را در ذیل این آیه از ۱۱۰ نفر از صحابه و یاران پیامبر (ص) و ۸۴ نفر از تابعین و ۳۶۰ دانشمند و مؤلف معروف اسلامی با سند و مدرک نقل کرده است؛ به طوری که هر شخص منصفی با مطالعه این اسناد و

مدارک یقین می کند که حدیث غذیر از قطعی ترین روایات اسلامی است.

تعبیر تند و بی نظیری که خداوند در این آیه شریفه به کار برده حاکی از اهمیت فوق العاده این مسئله، یعنی تعیین امام و رهبر بعد از پیامبر و معرفی او به مردم، است؛ و ترس پیامبر از طرح چنین امری حاکی از نفاق شدید و قدرت طلبی در صفوف مسلمین بوده است. حال با

آیه ای با این تعبیرات و مسئله ای به این اهمیت و ترسی آن چنان، شما را به خدا انصاف دهید آیا می شود پذیرفت که منظور پیامبر از عبارت معروف «من كنت مولاه فعلى مولاه» این باشد که هر که من دوست و یار و یاور اویم علی دوست اوست؟ قبلاً گفتیم که در آیات صریح قرآن، نه تنها دوستی مؤمنان با علی علیه السلام بلکه دوستی و برادری تمام اهل ایمان با هم توصیه شده است. خلاصه لحن آیه مورد بحث و جملات پیامبر اکرم (ص) دلیل بر این است که بی شک و قطعاً، منظور پیامبر اکرم (ص) خلافت و ولایت بوده است، نه چیز دیگر.

آیه ولایت: سندی دیگر بر امامت

جز این نیست که سرپرست و ولی امر شما خدا و فرستاده اوست و مؤمنانی که نماز را برپا می دارند و در حالی که در رکوع اند زکات می دهند. مائده: ۵۵

آنچه از آیات قرآن درباره امامت است به دو دسته تقسیم می شود: دسته اول، آیاتی که صراحتاً و مستقیماً بر مسئله امامت و رهبری دلالت دارند، مانند آیه ولایت و آیه تبلیغ و آیه اولی الامر و آیه صادقین و آیه قُربی؛ دسته دوم، آیاتی که بر فضیلت و برتری اهل بیت

پیامبر (ص) خصوصاً علی علیه السلام دلالت دارند. این دسته آیات بسیارند. مشهورترین آن ها عبارت است از: آیه مُبَاهَلَه؛ آیه لَيْلَةُ الْمَبِيتِ؛ سوره هَلْ أَتَى، آیه نور؛ آیه نَجْوَى؛ آیه خَيْرُ الْبَرِيَّةِ؛ آیه حکمت، آیه سِقَايَةِ الْحَاجِّ؛ داستان ابلاغ آیات آغازین سوره توبه؛ آیه وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ؛ آیه انفاق؛ آیه رِجَالٌ صَدَقُوا؛ آیه صدیقون. این آیات فقط فضیلت و برتری امیر

مؤمنان را، بعد از پیامبر (ص) بر همه مسلمانان ثابت می کند و مستقیماً بر ولایت و امامت آن حضرت دلالت ندارد؛ اما با پذیرفتن این اصل عقلی و مقبول که ترجیح مرجوح بر راجح قبیح است (یعنی اگر شخص برتر و بهتر باشد و ما به کم تر از او قناعت کنیم در نزد عقلا قبیح و ناپسند است)، می توان نتیجه گرفت که فقط علی علیه السلام بعد از پیامبر (ص) شایسته رهبری امت است.

علی: اولین مؤمن

و پیشگامان [در ایمان] سبقت گیران [در تقوی] (۱۰) آنان مقربان در گاه اند (۱۱)، در بهشت ها و باغ های پر نعمت خواهند بود (۱۲) گروه انبوهی از پیشینیان [معصومین از گذشتگان] (۱۳) و اندکی از پسینیان [معصومین امت اخیر] (۱۴).

بزرگترین فضیلت معنوی جناب امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام ایمان است - ایمانی که هیچ فضیلتی هم تراز و همسنگ آن نیست؛ بلکه خود موکد همه فضایل و کرامات انسانی است. همه مسلمانان متفق القول اند که وجود مبارک علی علیه السلام از شرک به خداوند دور بوده و هیچ سابقه بت پرستی و شرک در صحیفه زندگی او وجود نداشته و او پیش از همه صحابه، به پیامبر اسلام (ص) ایمان آورده است. او نه تنها حتی به اندازه چشم برهم زدنی به خداوند شرک نوزیده، بلکه خود از بزرگترین بت شکنان بوده است؛ و در تاریخ، داستان بت شکنی او و پیامبر در کعبه به ثبت رسیده است. خود آن جناب نیز، به نقل از مدارک معتبر اهل سنت

مانند شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، پیوسته می فرمودند: «أَنَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَالْفَارُوقُ الْأَوَّلُ». من بزرگ ترین تصدیق کننده پیامبر و اولین جداکننده حق از باطل بودم.

در شواهد التنزیل، از کتب معروف و معتبر اهل سنت، آمده است: پیشگامان در ایمان سه نفرند: یوشع، که به موسی علیه السلام مؤمن شد، صاحب یاسین (حبیب نجار) که به عیسی علیه السلام ایمان آورد؛ علی علیه السلام، که به پیامبر اسلام (ص) مؤمن شد. آری، او نخستین کسی بود که پیامبر اکرم (ص) را تصدیق و با او بیعت کرد و با او نماز خواند. این مطلب مفهوم روایت نبوی است که شخصیت های بنام صدر اسلام، مانند ابوسعید خدری و عایشه و

خلیفه دوم و حاذبن جبل و سلمان فارسی و عبدالرحمن عوف و ابن عباس و انس بن مالک، آن را نقل و به آن اعتراف کرده اند.

دو دریا، با لؤلؤ مرجان

دو دریا را پیش راند تا به هم رسیدند. (۱۹) در میان آن دو، حجابی است تا به هم درنشوند (۲۰) پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب و انکار می کنید؟ (۲۱) از آن دو

دریا، مروارید و مرجان بیرون آید. (۲۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیات فرمودند: «علی و فاطمه دو دریای عمیق اند که هیچ یک بر دیگری تجاوز نمی کند، و از آن دو دریا، لؤلؤ و مرجان، یعنی حسن و حسین،

خارج می شوند.»

تزوید آسمانی این دو دریا خود حکایتی است شنیدنی و دلیلی دیگر بر فضیلت علی علیه السلام بر همه کس در بعد از پیامبر؛ زیرا کفو و تایی فاطمه ای است که به نقل یکی از مدارک مهم برادران اهل سنت، پیامبر (ص) درباره او فرمود: «اگر تمام نیکی و زیبایی بدل به انسان می شد، آن شخص فاطمه بود؛ بلکه فاطمه از همه محاسن عالم برتر و باعظمت تر است. دخترم فاطمه بهترین اهل زمین از حیث ماده خلقت و شرافت و بزرگواری است.»

درباره لؤلؤ و مرجان این دو دریا، خوارزمی در مناقب خود روایت کرده است: «همانا رسول خدا دست حسن و حسین را گرفت و فرمود هرکسی مرا و این دو فرزندم را و پدر و مادر این دو را دوست بدارد روز قیامت با من و هم رتبه من است.»

مباهله: برترین سند فضیلت

پس هرکس با تو درباره او [(عیسای مسیح، علیه السلام)] پس از آن که به علم رسیده ای محاجّه و ستیز کند بگو: بیاید ما پسرانمان را و شما پسرانمان را و شما زنانمان را و ما خودمان را و ما خودمان را و شما خودتان را فراخوانیم. آن گاه به یکدیگر نفرین کنیم. پس لعنت خدا را

بر دروغگویان قرار دهیم. آل عمران: ۶۱

راویان اخبار از اهل سنت و مفسران و مورخان معروف آنان و همه علمای شیعه بر این نظرند که حاضران صحنه مباهله پیامبر (ص) و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه

السلام و حسین علیه السلام بوده اند. البته مباحله داستانی زیبا و خواندنی و پرنکته است که در این مختصر، مجال برای طرح آن نیست، اما چند نکته مهم از آیه مباحله:

(۱) فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام فرزندان پیامبر اکرم (ص) اند و این رد آن اعتقاد جاهلی است که نوه های دختری فرزند انسان نیستند.

(۲) لفظ «نساتنا»، علاوه بر این که گویای فضیلت حضرت زهرا علیها السلام است، پاسخ مناسبی است به کسانی که اسلام را دین مردان می دانند؛ زیرا خداوند در صحنه مهمی مثل مباحله، که مبارزه ای فرهنگی است، شرط اجابت دعای پیامبر را حضور زن، یعنی فاطمه علیها السلام می داند.

(۳) مهم تر از همه این که پیامبر به عنوان نفس و جان خود علی را آورد؛ یعنی علی جان پیامبر است؛ و این به معنای اثبات تمام فضایل و کرامت پیامبر اکرم (ص) غیر از نبوت، برای علی علیه السلام است. زمخشری در تفسیر خود می نویسد: «هیچ دلیلی بر فضیلت اصحاب کساء (پنج تن آل عبا)، که برتر از آیه مباحله باشد، وجود ندارد.»

آسمان اینار اهل بیت را مدح می کند

و غذای خود را در حالی که به آن علاقه [و نیاز] دارند به فقیر و یتیم و اسیر انفاق می کنند.

(۸) [و زبان قال و حالشان این است که] جز این نیست که ما شما را برای رضای خدا اطعام می

کنیم و از شما پاداش و سپاسی نمی خواهیم. (۹) انسان: ۸-۹

استاد سخن، شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی، قطعه شعری ماندگار دارد به نام «سردار اتقیا»

که در توضیح این موضوع به ذکر آن بسنده می کنیم:

کس را چه زور و زهره که وصف علی کند جبار در مناقب او گفته هل آتی

زور آزمای قلعه خیر که بند او در یکدگر شکست به بازوی لافتی

مردی که در مصاف زره پیش بسته بود تا پیش دشمنان نکند پشت بر غزا

شیر خدا و صفدر میدان و بحر جود جان بخش در نماز و جهان سوز در دعا

دیباچه مروّت و دیوان معرفت لشکرکش فتوت و سردار اتقیا

فردا که هر کسی به شفیع زند دست ماییم و دست و دامن معصوم مرتضی

امامان عصمت مطلقه دارند

... جز این نیست که خداوند می خواهد از شما اهل بیت [پیامبر] هر گونه پلیدی را بزدايد و

شما را پاکیزه گرداند. احزاب: ۳۳

به همان دلیل که پیامبر در مقام بنیان گذار شریعت و کسی که از طریق وحی با آسمان مرتبط

است باید معصوم باشد؛ امامان نیز در مقام حافظان شریعت و مفسران قرآن و متولیان هدایت

مردم و نگهبانان حدود و احکام الهی باید از هر گونه خطا و اشتباه و گناه و ظلمی بری باشند،

که قرآن فرمود: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»

آیات قبل و بعد از این آیه درباره همسران پیامبر است؛ اما از این که آن آیات با ضمیر جمع مؤنث (هنّ) و این آیه با ضمیر جمع مذکر (کُم) آمده است، نتیجه می گیریم که این آیه

درباره آنان نیست، بلکه درباره عصمت اهل بیت پیامبر نازل شده است.

درمدارک معتبر اهل سنت آمده است که بعد از نزول این آیه، پیامبر تا ماه ها هنگامی که

برای نماز صبح از کنار خانه فاطمه و علی علیهما السلام می گذشت صدا می زد: «هنگام نماز

است، ای اهل بیت!»؛ و آن گاه این آیه را تلاوت می کرد.